

نگاهی به رمان «خانه کاغذی» نوشته کارلوس ماریا دومینگوتز ترجمه شقایق قندهاری

همیشه آن سوی کلمات چیزی پنهان است

اعظم آینی همیشه آن سوی کلمات چیزی پنهان است. یک خیال که از دل اولین برداشت بیرون آمده و تورا وادار می کند بخوابی تا بیشتر بدانی. «خانه کاغذی» انتخاب خوبی است برای یک روز بی ادعا. بی‌وزنی کتاب، آدم را به وجد می آورد. اول نگاهی به صفحه آخر و هجوم این میل که آیا می شود همه کتاب را بی وقفه خواند؟! یادآور لذتی که سال هاست تکرار نشده است. می‌خوانی؛ جمله اول از پاراگراف دوم آدم را درگیر می کند. کتاب‌ها سرنوشت مردم را تغییر می دهند و تودلت هوای همه کتاب‌هایی را می کند که در سطرهای بعدی نام برده شده‌اند. بعضی‌ها را خواننده‌ای و بعضی‌ها را نه. کتاب‌های خواننده را کجا گذاشته‌ای؟ کتاب‌ها، تاریخچه‌شان را در ذهن‌ت جست‌وجو می کنند. چند لحظه تامل می کنی. نفس عمیقی می کنشی. از جست‌وجوی دنیای شخصی، خودت را رها می کنی و صفحه‌ها را ورق می‌زنی. در صفحه بعد بار دیگر امیلی دیکنسون معطل ات می کند. چقدر دوست داری کتاب‌هایی را که تو را آدم‌ها به خودت رجوع می دهند. هیچ قایقی چون کتاب، ما را با خود به سرزمین‌ها نمی‌برند. این قطعه کوتاه را به یاد می‌آوری و دلت ناخواسته هوس سفر می کند. یعنی با این کتاب هم می شود سفر کرد؟ داستان با مرگ شروع می‌شود. مرگ نهایت است. رکود است. یک خانه بدون بازآفت است. تجربه نیست. زبان تکلم ندارد. خودش را نشان نمی‌دهد و تا حد نیست، عقب نشسته است. کمی دایخونه به کلمات نگاه می کنی. این شروع می‌تواند به تکرار برسد. می‌تواند نسخه مشابهی باشد با چیزی که پیش از این خوانده‌ای اما کمی سمجاست لازم است، فقط چند صفحه دیگر؛ و بعد، کتاب کوچک برایت بزرگ می‌شود. از دل کتاب، کتابی خود را نشانت می‌دهد و ابهام خود را در خالص‌ترین جملات یک تقدیم‌نامه به رخ می کشاند؛ ببخشید که قدری بدجنسی به خرج دادم. همان‌طور که از اول برایت گفتم تو هرگز کاری انجام نمی‌دهی که مرا شگفت‌زده کند. اما داستان چیز دیگری می‌گوید. داستان به‌شدت شگفت‌زده‌ات می‌کند. کتاب تو را از یک سوی دنیا به آن سوی دیگر دنیا می‌کشاند تا آدمی را پیدا کنی که فراتر از محیط، سرزمین خودش را خلق کرده است و حتی فارغ از محدوده اکنون، به تداعی و سیر و سیاحت در زمان مشغول است. آدمی مگر چیست به جز اندیشه، و این اندیشه نشانه‌هایی مکتوب به قدمت بیست قرن دارد. سر از حراجی‌ها در می‌آوری و می‌بینی که کتاب‌های نایاب چگونه گردآوری می‌شوند. کتاب‌هایی که خوانده می‌شوند. نقد می‌شوند و بعد در شکل سرمایه، نیاز به طبقه‌بندی و حفاظت پیدا می‌کند. دنیای بزرگ برای بقا به بخش مشخصی از ذهن، زمان، فضا و توانایی تکیه می‌کند. و این مساله باعث سرگردانی آدمی می‌شود که ۲۰ هزار جلد کتاب دارد، اما از ترس صدمه دیدن و تباه‌شدن‌شان قادر به بخشش گنجینه خود نیست. هیچ نهاد علمی، تخصصی، دولتی قابلیت حفاظت از این سرمایه را ندارد. پس خودش دست به کار می‌شود. قدم اول تهیه یک نمایه از همه آن کتاب‌هاست. باید تعادل را برقرار کند. تعادل موضوعات، معناها، سبک‌ها، نگارش. کشف تشابهات و تباهاها. ابداع شیوه‌ای تازه در ارائه کتاب‌ها. یک کتاب را باید زیر نور شمع خواند و کتاب دیگری را هنگام با طنین موسیقی واکنر. باید به هر کتاب شخصیتی جان دار بخشید تا با خواندنش لذتی منحصر‌به‌فرد را تجربه کرد. باید یک نظم عاشقانه باشد تا شما را به بعد تازاری از کتاب بکشاند. حتی ترکیب جملات هم چهره سحره‌ای به خود می‌گیرد که در ظاهر هم جزئیات فریبنده‌ای را نمایان می‌کند. داستان اما به اینها خلاصه نمی‌ماند که هر کتابی آدم‌هایی دارد و این آدم‌ها راه خودشان را می‌روند. آدم‌های خانه کاغذی گاهی دنیای باشکوهی دارند و گاهی در همین عظمت به‌شدت احساس خفگی می‌آورند و در تاریکی آدم سردرگم می‌ماند. تنها راه خلاصی، نمایه‌سازی است. آدم قصه، این مرحله را هم پشت‌سر می‌گذارد. آنچه برای دیگران سطحی، گرافه و گنگ و مات است برای او راهی‌ای از یک آشوب ذهنی است. اما یک حادثه کوچک در راه است؛ فهرست‌ها از دست می‌روند، گدازا از دست می‌روند، همه آن نشانه‌های اطمینان بخش از دست می‌روند، و بار دیگر کتاب‌ها، جدا از هم به انبوهی از تک‌ها بدل می‌شوند. یک ارتباط هماهنگ کننده گسسته شده است. چطور می‌شود از نو آغاز کرد؟ چطور می‌شود یگانگی پیشین را بازگرداند؟ آتش همه چیز را سوزانده است. آب همه چیز را ری نگ کرده است. و آدم خود را میان یک آوار می‌بیند. بازسازی دوباره سخت است. اینجااست که باید تصمیم دیگری گرفت. کتاب‌ها خانه می‌خواهند. او خانه می‌خواهد. تمام سال‌ها به دنبال حلقه اتصال می‌گشته است؛ کشف و درک بسیاری از تشابهاتی که فردی است، که فقط مال اوست. ذهن هر انسان ملات خودش را می‌سازد تا این‌را کتار آن نباشاند. تا یک مجموعه را برای خودش قابل دسترس‌تر کند، حتی اگر مساله احاطه شدن در میان باشد و ترس از همین احاطه شدن خارج از کنترل شود و انسان را وادار به حذف یا تخریب کند. همیشه نباید به دنبال کشف نیمه‌تاریک اشیا بود زیرا مرز سایه مرز شخصی نیست. کتاب «خانه کاغذی» داستان کوچک دیگری را نیز برلمان تعریف می‌کند: زنز قصه، به انتظار بازگردانده شدن کتابی است که به سادگی می‌تواند آن را از نزخاک‌ترین کتابخانه به امانت بگیرد یا از کتابفروشی محله بخرد. آیا این درخواست صرفا برای به یاد آختن نیست؟؟
مروزی اجباری نمایشی از آنچه روی داده است؟؟ و تکرار آن حد از شناخت که قادر به حدس حوادث پیش‌روست؟؟
باید کتاب را خواند. خانه کاغذی، کارلوس ماریا دومینگوتز، ترجمه شقایق قندهاری، نشر آموت، بهار ۱۳۹۳.

کارلوس ماریا دومینگوتز



پاسخ پژمان جمشیدی به منتقدان حضورش در عرصه بازیگری به بهانه بازی در نمایش «آرسنیک و تور کهنه»:

هنر و فوتبال حق همه است

این کارها برای من کلاس است

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی

پیمان قاسم‌خانی